

بعد از رسولان اسقفان



خادمین در کلیسای ما

قسمت دوم

بعد از رسولان، اسقفان

جوان: خبر جدید را شنیده‌ای؟ کلیسای ما به زودی اسقف جدیدی خواهد داشت و او دوست خودم است. وقتی بچه بودم او کشیش کلیسای ما بود و انجیل را به من یاد می‌داد.

پیر: البته، در جریان امور هستم، واقعاً خبر بسیار مهمی است. اما می‌دانی چگونه می‌توان اسقف شد؟

(۱) برای انسان ممکن نیست که بتواند اسقف شود!

جوان: البته، انسان باید خیلی درس بخواند حتی بیشتر از کشیشان، چون اسقفی مقام بالاتری است.

پیر: نه، اصلاً مسئله تحصیلات و علم و امتحان نیست. اسقف کلیسا معمولاً از میان کشیشان خود آن کلیسا انتخاب می‌شود همان طور که در مورد اسقف جدید ما صادق است.

جوان: آیا اسقف پیشین وی را انتخاب نموده است؟

پیر: البته اسقف پیشین نظر خود را می‌دهد اما این کافی نیست. درواقع پس از آن که اسقفان منطقه رأی خود را دادند پاتریارک نتیجه انتخاب آنان را اعلام می‌کند، سپس حضرت پاپ که اسقف روم و مسئول اتحاد کلیساها می‌باشد نتیجه مربوطه را تأیید می‌کند.

جوان: پس کلیسای ما درباره مسئله ای که به آن مربوط است اظهار نظر نمی‌کند؟

پیر: البته که اظهار نظر می‌کند، حداقل به دو طریق: اولاً اسقف فعلی ما، در مجمع اسقفان، نماینده کلیسای ما نزد اسقفان دیگر و کلیساهای محلی است. وی حتماً نظر چند نفر معتمد را پرسیده است. ثانیاً طی آیین دستگذاری اسقف جدید، تمامی جماعت دعوت می‌شود تا نظر خود را با اعلام این تأیید «او شایسته است» بیان کند.

جوان: اگر جماعت خلاف آن را بگوید؟

پیر: موردی را می‌دانم که در آن، جماعت طی دستگذاری اسقفی در دمشق اعلام کرد: «او شایسته نیست؟» آیین تقدیس اسقف متوقف شد. اسقفان بار دیگر تحت صدارت پاتریارک شورا کردند و شخص دیگری را انتخاب نمودند. آیا انتخاب متیاس به جای یهودا جهت عضویت در گروه رسولان را به یاد داری؟

بود (اعمال ۲: ۱-۵) در جامعه شروع به کار نمود. البته کلیسا مسئولانی دارد که طرز رفتارشان بایستی بسان رفتار عیسی باشد... به همین خاطر است که اسقف منتخب جدید طی دعایی طولانی جهت نزول روح القدس بر وی، تقدیس می گردد. اسقف به تنهایی نمی تواند وظیفه خود را به انجام رساند و نه نمایانگر حضور یگانه شبان، یگانه سر یعنی عیسی مسیح باشد.

خلاصه، اسقف مجزا از کلیسا و بدون رابطه با دیگر اسقفان منطقه اش نمی تواند درباره مسائل حیاتی کلیسایش تصمیم بگیرد.

جوان: برای چه؟ او که خودش رئیس است!

پیر: کلیسا، لشکر و هنگ نظامی نیست بلکه مشارکت در محبت است. در کلیسا موضوع قانون مطرح نیست بلکه اطاعت از اراده خدا: روح القدس به افراد داده نشد بلکه به کلیسا و در کلیسا به هر کس طبق استعدادها و مسئولیتهايش.

تنها به فیض نور روح القدس است که همه با هم و هر یک در جای خود در کلیسا می توانیم اراده خدا را مشاهده کنیم.

جوان: ولی خود عیسی، پطرس را رئیس رسولان قرار داد بنابراین وی می توانست اراده خود را بر دیگر رسولان تحمیل نماید! پس اسقف هم می تواند همینطور در کلیسا عمل کند!

پیر: در قوم خدا گاهی بدین منوال بوده است. خدا سلیمان را

جوان: البته، پطرس، رئیس رسولان متیاس را برگزید!

پیر: نه، اینطور نیست! پطرس به تنهایی و مستقل از گروه دوازده رسول نمی توانست درباره مسئله چنین مهمی مربوط به گروه تصمیم بگیرد. پطرس نظر تمامی کلیسای اورشلیم را پرسید و این اولین تصمیم کلیسا حتی قبل از پنطیکاست بود که به صورت دسته جمعی و پس از بحث و مشورت متقابل و با هم دعا کردن گرفته شد (ر. ک اعمال ۱: ۱۵-۲۶). پطرس با یادآوری خیانت یهودا و تقاضای جانشینی شخصی که شاهد واقعی زندگی عیسی باشد ابتکار عمل را در دست گرفت. کلیسا دو نفر را معرفی نمود و پس از دعا، یکی از آن دو نفر انتخاب و به گروه دوازده رسول ملحق شد. باز در اعمال رسولان می توانی تصمیمات مهمی را ببایی که به صورت شورایی گرفته شده اند و هر کس مسئولیتی را که بر عهده دارد تقبل می کند به عنوان مثال: اولین بار که پولس برای رسالت به مأموریت فرستاده می شود (اعمال ۱۳: ۱-۴) یا تصمیم اینکه آیا باید غیر یهودیان را در کلیسا پذیرفت یا خیر (اعمال ۱۵).

روز پنطیکاست را به خاطر آور. پطرس که بعدها مسئولیت ویژه ای خواهد داشت جدا از گروه دوازده رسول منفرداً روح القدس را نمی پذیرد بلکه برعکس، زمانی که همگی جمع بودند و با «یکدل» دعا می کردند (اعمال ۱: ۱۴) روح بر آنان بدون تمایز نازل می شود و هر کس طبق ظرف وجود خود و رسالتش از آن مملو می گردد: زبانهای روح بر جمیع و تک تک آنان قرار گرفت. هر کس طبق عطیه ای که روح به وی داده

خاص یافته اند اما چگونه بایستی آن را به کار برند؟ عیسی سخنان شاگردان را می شنید و گاهی آنان را به خاطر رفتار بیش از حد انسانیشان سرزنش می نمود (مرقس ۸: ۳۳)، به خصوص درباره دانستن اینکه چه کسی بزرگتر خواهد بود (مرقس ۹: ۳۳-۳۵). عیسی خداوند برخلاف سلیمان و رحبعام با کوچکترین خادم شدن در میان رسولان و شستن پاهای ایشان و درخواست اینکه آنان نیز همینطور در کلیسا عمل کنند، اقتدار خود را اجرا می نماید: این است فروتنی در اجرای اقتدار. یکی از شرایط وحدت همین فروتنی در اجرای اقتدار است.

حال می فهمی چرا برای انسان ممکن نیست که اسقف بشود زیرا اسقف شدن یعنی نمایانگر حضور مسیح نزد قوم بودن، شبان شدن در او که یگانه شبان است، به نام او سخن گفتن و استاد حقیقت شدن در حالی که او خود، حقیقت است، در نام او تصمیم گرفتن در حالی که او یگانه خداوند است، آشتی دادن انسانها با خدا در حالی که وی یگانه نجات دهنده است؛ شفاعت برای نزول روح القدس بر تقدیمی ها و تقدیم کنندگان در حالی که از طریق قلب نیزه خورده پسریشی است که پدر، روح القدس را فرستاد...

عیسی مدتی طولانی برای رسولان (لوقا ۱۲: ۱۳) و به ویژه برای پطرس (لوقا ۲۲: ۳۲) دعا نمود. حال می دانی چرا اسقف طی دعایی طولانی تقدیس می شود و نیز چرا در کلیسا غالباً برای وی دعا می کنیم؟ درباره موضوع اقتدار هنگامی که به بحث نشانه های به کار رفته در آیین دستگذاری برسیم بیشتر توضیح خواهم داد.

انتخاب نمود تا قوم برگزیده را هدایت نماید. وی که پادشاهی بزرگ و مملو از حکمت و نیز قدرتمند بود مالیاتهای سنگینی بر قوم کوچک یهود تحمیل نمود. پسر و جانشین سلیمان یعنی رحبعام زمانی که در اجتماع قوم حاضر شد تا وی را به جانشینی پدرش پادشاه اعلام کنند، عده زیادی از رحبعام خواستار کاهش مالیات و آزادی بیشتر شدند. وی به عوض اینکه به قوم و به نصایح مشایخ گوش فرادهد طبق توهمات خود عمل کرد و خواست اقتدارش را تثبیت کند پس چنین جواب داد:

«انگشت کوچک من از کمر پدرم کلفت تر است!

و حال پدرم یوغ سنگین بر شما نهاده است

اما من یوغ شما را زیاده خواهم گردانید.

پدرم شما را به تازیانه ها تنبیه می نمود

اما من شما را به عقربها تنبیه خواهم نمود!»

(اول پادشاهان ۱۲: ۱-۲۰).

بدین سان قوم خدا به دو دسته تقسیم می شود و به خاطر این پادشاه خودخواه هرگز وحدت خود را دوباره نخواهد یافت.

جوان: در خانواده من این پدرم است که تصمیماتش را تحمیل می کند! اسقفی که دیگران از دستوراتش اطاعت نکنند به چه درد می خورد.

پیر: دوست دارم از خانواده ات بیشتر صحبت کنی: این طوری تا اندازه ای به راز کلیسا نزدیکتر می شویم. البته کسانی هستند که اقتداری

در این کاروان که پیش می‌رود ابتدا جوانی را می‌بینی که صلیب در دست دارد. این همان صلیب است که راه را باز می‌کند. جوانی دیگر، گُندر حمل می‌کند: دودی که از آن بلند می‌شود یادآور ستون دود و آتشی است که در صحرا پیشاپیش یهودیان حرکت می‌کرد و نشانه حضور خدا در میان متعلقانش بود. سپس تمامی قوم می‌آید، بعداً روحانیون یعنی شماسان و کشیشان و بالاخره اسقفان و در میانشان پاتریارک ما. این است کلیسای ما که با خواندن سرودهایی به سوی قربانگاه کلیسا (مذبح) در وسط قدس الاقداس یعنی تخت پادشاهی خدا پیش می‌رود.

جوان: خیلی تحسین برانگیز است، اصلاً برایم قابل تصور نبود. قبلاً هرگز این را ندیده بودم زیرا معمولاً کشیش یا اسقف از اتاقک چسبیده به قربانگاه کلیسا داخل می‌شود بدون انجام هیچگونه راهپیمایی مذهبی. **پیر:** ولی آیینی که امروز برگزار می‌شود بسیار باشکوه است. امکان دارد گاهی به خاطر تکرار همان حرکات که معنی‌شان را از دست می‌دهند یا به خاطر راحت‌طلبی یا بی‌دقتی و نداشتن وقت دچار عاداتهای بدی شویم... در حالی که برای پذیرفتن روح القدس جهت آماده نمودن ما برای دعا کردن احتیاج به وقت داریم. به عنوان مثال به نشانه دیگری دقت کن که در عین سادگی بسیار مهم است: علامت صلیب که بر خود رسم می‌کنیم یادآور تعمید ماست حال اگر آن را خیلی سریع انجام دهیم مثل این خواهد بود که داریم مگسی را می‌پرانیم! امروز، حتی اگر

جوان: کمی بیشتر این دعای طولانی تقدیس اسقف جدید را توضیح بده وگرنه خسته‌ام خواهد نمود...

(۲) باشد که روح القدس این انسان را تقدیس نماید!

پیر: در آیین دستگذاری می‌توان مراحل متفاوتی را مشاهده نمود. به سخنانی که گفته می‌شود خوب دقت کن و نیز به حرکات و نشانه‌هایی که به کار می‌رود توجه داشته باش.

مرحله اول: کاروان که به سوی خدا پیش می‌رود

جوان: چه می‌گویی؟ ما که صحرانشین نیستیم! **پیر:** خوشبختانه ما در این دنیا طوری مستقر نشده‌ایم که برای همیشه در آن بمانیم چنانکه گویی این دنیا مسکن دائمی ما باشد. آزمایشات و رنجهای این دنیا به ما یادآوری می‌کنند که ما «بر روی زمین بیگانه و غریب» هستیم (عبرانیان ۱۱: ۱۳)، همانند ابراهیم یا قوم برگزیده همراه موسی در حال عبور از صحرا به سوی سرزمین موعود، ما نیز همگی و به صورت کاروان به سوی سرزمین جدیدی پیش می‌رویم که عیسی بعد از باز نمودن راه در آنجا منتظر ماست و توسط روح القدس ما را به سوی خود می‌کشد. این سرزمین موعود، اتحاد کامل با پدر در عیسی توسط روح القدس است که همان سعادت واقعی است که برای آن آفریده شده‌ایم!



شمایل تقدیس: انجیل بر شانه های اسقف

آیا به نشانه جدید دقت کردی: به نشانه احترام نسبت به کلام خدا، نه تنها انجیل بخور کندر داده می شود بلکه اسقف جدید منتخب، کتاب انجیل را حمل می کند. و اینک وی تقدیس می گردد، انجیل بر شانه هایش قرار می گیرد. به شمایل نگاه کن ببین چگونه اسقفان لوحی از پوست را که شکل کتاب دوران قدیم بود باز می کنند. اسقف انجیل را به مثابه وظیفه ای بر دوش می گیرد. زیرا اولین مسئولیت وی اعلام کلام خدا به همه انسانهاست و نیز اعلام تفسیر دقیق آن بر طبق معنایی که تمامی کلیسا در آن می یابد.

تمامی آیین همانطور که بایستی برگزار شود انجام نمی گردد، حداقل از آیین دستگذاری یاد بگیر که این نشانه ها که بیانگر ایمان و زندگی ما هستند چه مفهومی دارند.

مرحله دوم: قومی که می شوند و خدایش را اعلام می کند

قومی که خدا از بردگی و خطرات دریا نجات داده بود، در صحرا از مداخله قدرتمندانه نجات دهنده خود آگاهی یافت و سرود تسبیح سر داد (ر. ک خروج ۱۵). خواهی دید که بعد از دعای مقدماتی، ما نیز مانند قوم برگزیده مزامیری خواهیم سرایید. برای بهتر به خاطر سپردن معجزاتی که خدا در میان ما انجام داده به قرائت انجیل گوش فرا خواهیم داد. در این روز متون ویژه ای برای تقدیس اسقف انتخاب و سروده خواهد شد، پس خوب دقت کن.

جوان: ولی درک قرائتها همیشه ساده نیست و آن روز مردم زیادی خواهند بود...

پیر: اگر می خواهی خود را برای آیین دستگذاری و قرائتها بهتر آماده کنی می توانی کتابچه های دیگری را که در همین رابطه منتشر شده اند و فهرست آنها در ابتدای این جلد آمده مطالعه نمایی. فعلاً به توضیح نشانه ها ادامه دهیم. به شمایل تقدیس اسقف در صفحه بعد نگاه کن.

است قرار می‌گیرد. در واقع عیسی ابتدا این رسالت را به رسولان سپرد تا در خدمت «همه ملتها» باشند و در رابطه با این رسالت است که عیسی به آنان وعده داد: «اینک تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی ۲۸-۲۰). بنابراین در اتحاد با رسولان و جانشینان ایشان است که ما در رسالت کلیسا مشارکت می‌جوئیم. اسقف که مانند حضرت پولس وظیفهٔ اعلام کلام خدا را به همه انسانها پذیرفته می‌تواند با وی بگوید: «وای بر من اگر بشارت ندهم!» (اول قرنتیان ۹: ۱۶).

جوان: به نظر من مسیحیان قبل از هر چیز انتظار دارند که اسقف زندگی جامعه‌شان را سازماندهی کند، اموال آن را سرپرستی کند، از ساختمانهای آن مراقبت کند و امور اداری و دولتی را انجام دهد...
پیر: و عیسی از شاگردانش چه انتظاری داشت؟ چه رسالتی را به آنان سپرد؟

«پس رفته همه امتها را شاگرد سازید
و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید
و ایشان را تعلیم دهید
که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند
و اینک من هر روزه تا انقضای عالم
همراه شما می‌باشم.»

این آخرین کلامی بود که عیسی در انجیل متی (۲۸: ۱۹-۲۰) می‌گوید.

جوان: من فکر می‌کردم که هر مسیحی بایستی انجیل را بخواند و مسئول شهادت دادن به آن است؟
پیر: کاملاً حق با تو است. ولی فکر می‌کنی می‌توان معنای دقیق کلام خدا را جدا از کلیسا تفسیر نمود در حالیکه در همین کلیسا است که این کلام را می‌یابی؟ عیسی کتابی نوشت که بعداً نمونه‌ای از آن را به هر شاگرد بدهد. او جامعه‌ای را بنا نهاد که روح بر آن قرار دارد. عیسی مسئولانی را برگزید و رسالت بررسی و تفسیر دقیق حقیقتی را که برای ما آورد به آنان سپرد:

«آن که شما را شنود مرا شنیده» (لوقا ۱۰: ۱۶)
اشتباهات تفسیری که باعث از هم گسستگی اتحاد کلیسا شدند
همگی از قرائت فردی کتاب مقدس نشأت گرفته‌اند. خود حضرت
پطرس در مورد این وسوسه ما را چنین هوشیار می‌سازد:

«این را نخست بدانید
که هیچ وقت نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست؛
زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد،
بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده از جانب خدا سخن گفتند.»
(دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱)

چنانکه اعلام کلام خدا وظیفه تمامی کلیسا - بنابراین هر مسیحی -
است این مسئولیت در مرحله اول بر اسقف که در بطن جامعه همراه آن

واهی شد. برای اینکه کلیسا به حیات خود در این دنیا ادامه دهد احتیاج به سازماندهی دارد. احتیاجات کلیسا به قدری زیادند که ممکن است برای مسئولین آن به صورت وسوسه درآیند. آیا به خاطر داری که چگونه شاگردان از رسولان خواستند تا به همه احتیاجات جامعه از جمله تقسیم غذا بین فقرا برسند؟

پطرس با حکمتی که روح القدس به وی عطا نمود پاسخ آنان را داد. او نمی تواند همه کارها را انجام دهد. بایستی در مسئولیتها شریک شد و وظایف را طبق استعدادهای هر کس تقسیم نمود. پطرس از جامعه مسیحیان خواست تا کسانی را انتخاب کنند که بتوانند مسئولیتهای خاصی را بر عهده گیرند. زیرا حتی رئیس رسولان فرستاده نشده بود که همه کارها را انجام دهد بلکه تا وظایف را تقسیم کند و مراقبت کند که هر کس مسئولیتهای خویش را انجام داده جای خود را در کلیسا که مشارکت خدمتهاست بیابد. پطرس با یادآوری رسالت خاص رسولان چنین سخنان خود را پایان می دهد:

«ما خود را به عبادت

و خدمت کلام خواهیم سپرد» (اعمال ۴: ۶).

پس خوب به این شمایل و این نشانه طی آیین دستگذاری دقت کنیم: اسقف جدید که امروز کلام خدا را بر دوش حمل می کند فردا نباید از وی انتظار هر خدمتی را داشت. تو به وظایفت در کلیسا عمل کن! اگر هر کس در جای خود و طبق عطایایی که روح القدس به وی داده رسالت خود را



قسمتی از شمایل تقدیس اسقف

جوان: اگر اسقف ما تمامی وقتش را صرف اعلام انجیل به دیگران بکند، آن وقت مسیحیان چه می شوند؟ چه کسی مسئول مراقبت از جامعه مسیحی می شود؟
پیر: کاملاً حق داری این سؤال را بکنی زیرا نبایستی دچار خیالات

بایستی مرتباً برای وی دعا کنیم تا روح القدس این تغییر و تحول عمیق را در تمامی لحظات زندگیش ایجاد کند.

بعضی از پدران کلیسا معنایی کاملتر به نهادن انجیل بر دوش اسقف داده اند. قبلاً معنای کلاهی را که اسقف مانند کلاهخود بر سر می گذارد گفتیم. یادآوری می کنم که سر پوشیده به معنای آن است که آن شخص وابسته به شخص دیگری است: زن مطیع شوهر خود است (اول قرنهای ۱۰:۱۱)، اسقف مطیع کلام خداست. اقتداری که وی یافته برای آن نیست تا ظالمی مستبد گردد بلکه تا شاگردی که اراده خداوند خود را جهت خود و دیگر کسانی که به وی سپرده شده اند جستجو کند، همانطور که «ژان کریسوستوم» توضیح می دهد:

«به همین دلیل است که در کلیسا طی دستگذاری «کاهنان» کتاب انجیل را بر سر شخص دستگذاری شونده قرار می دهند تا یاد بگیرد تاج پادشاهی واقعی را از انجیل دریافت نماید و اگر چه در رأس همه قرار گرفته ولی خود مطیع قوانین انجیل است؛ به همه دستور می دهد ولی خود از شریعت دستور می گیرد؛ برای همه قانون وضع می کند ولی برای خود او این کلام خداست که قانونگذاری می کند... در نتیجه، نهادن انجیل بر کاهن بدین معناست که وی مطیع قدرت دیگری است... (موعظه درباره قانونگذار).

جوان: پس نه کلیسا سلطنت است و نه اسقف پادشاه؟

پیر: همین چند لحظه پیش بود که دیدیم اسقف اولین خادم

انجام دهد، همه چیز در هماهنگی و طبق اراده خدا تحت نظارت اسقف خواهد بود.

جوان: می گویی بایستی وقت لازم را به اسقف داد تا موعظه اش را که هر یکشنبه ایراد می کند آماده نماید؟

پیر: کاملاً درست است، سخنرانی یکشنبه بخشی از آیین مقدس است. اسقف بایستی پس از اعلام انجیل به ما کمک کند تا مسیح را که در میان ما حاضر است و در زندگی ما کار می کند کشف نماییم. این مسیح، آن زنده، آن رستخیز نموده است که ما را جمع می کند و اسقف ما بایستی ایمان ما به حضور مسیح را بیدار کند. برای آنکه سخنران موعظه اش را خوب انجام دهد بایستی مدتی طولانی کلام خدا را مطالعه نماید، دعا کند تا حدودی راز عیسای مسیح را که می بایستی اعلام کند درک نماید. البته خودش نیز بایستی شاگرد این کلام شده و به سوی آن برگردد وگرنه سخنرانی زیبا همانند فریسیانی خواهد بود که عیسی درباره آنان گفته است: «پس آنچه به شما گویند نگاه دارید و به جا آورید لیکن مثل اعمال ایشان مکنید» (متی ۲۳:۳). اسقف ما بایستی تمامی عمرش را صرف اعلام انجیل کند، نه تنها با موعظه هایش و نه تنها زمانی که در کلیسا سخن می گوید. می دانی چرا پطرس رسول می خواست خودش را نه تنها وقف خدمت کلام کند بلکه ابتدا وقف دعا... اگر اسقف ما می بایست اولین کسی باشد که در میان ما به انجیل شهادت دهد و بدین طریق تمامی زندگیش آن را اعلام کند ما نیز

جوان: پس یعنی پاتریارک خود به تنهایی نمی تواند تقدیس اسقف جدید را انجام دهد؟

پیر: دقیقاً نمی دانم. آیا به طور نظری چنین قدرتی را دارد؟ در زمان جنگ، شکنجه و موقعیتهای بسیار سخت آیا پاتریارک می تواند به تنهایی اسقفی جدید دستگذاری کند؟ احتمالاً جواب این سؤالات مثبت است اگر کلیسا واقعاً احتیاج داشته باشد! در غیر این صورت معمولاً این کار را نمی کند. اگر درک نموده ای که کلیسا اساساً مشارکت است قبول خواهی نمود که پاتریارک نمی تواند به تنهایی و جدا از کلیسا به ویژه جهت تقدیس اسقفی جدید عمل کند زیرا اسقف جدید یکی از خادمین کلیسا خواهد بود پس این مسئله مربوط به تمامی کلیساست. اسقف جدید پس از تقدیس و دستگذاری، عضو مجمع اسقفان می گردد بنابراین مستقیماً به همه اسقفان مربوط می شود. همچنین وی به سهم خود مسئول اتحاد همه کلیساهای و بخصوص کلیسایی که به وی سپرده شده می گردد. پس لزوماً وی بایستی با مجمع اسقفان در رابطه باشد. به همین خاطر است اسقفانی که در دستگذاری وی شرکت می کنند نمایندگان تمامی اسقفان هستند. مانند اینکه تمامی اسقفان حاضر بوده تا برای نزول روح القدس دعا کنند، این خادم جدید را تقدیس کنند و او را در بطن جمع اسقفان بپذیرند.

جوان: پس اسقفان زیادی دعا می کنند و دستهایشان را می گذارند. اما در این موقع ما باید چه کار کنیم؟ بایستی تماشاچیان خاموش و

کلیساست. اینک خود کلیسا بایستی با اعلام انجیل و با محبتی همانند محبت عیسی نسبت به همه انسانها خادم تمام مردمان باشد. کلیسا سلطنت نیست زیرا پادشاهی خدا هنوز کاملاً ظاهر نگردیده. زمانی که این امر واقع شود عیسی یگانه پادشاه قلبها خواهد شد. کلیسا با خدمت خود، آمدن ملکوت را آماده می کند. البته کلیسا هدایت و سازماندهی می شود زیرا بر طبق سخن حضرت پولس رسول لازم است که «همه چیز به شایستگی و نظم باشد» (اول قرنتیان ۱۴:۴۰). بنابراین با بدیهه گویی نمی توان افراطهایی چون استبداد و عوام فریبی را در کلیسا از بین برد. ولی اقتدار در کلیسا نه حکومت سلطنتی خواهد بود نه دموکراتیک و نه هیچ گونه حکومت انسانی زیرا در کلیسا، اقتدار در خدمت جامعه ای است که بر روح القدس و کلام عیسی بنا نهاده شده. به همین دلیل است که مسئول، راز مقدس را دریافت می کند تا شایسته کار برای جامعه و حتی تصویر خدای سه گانه باشد...

مرحله سوم: اسقف در کلیسای رسولی: دستگذاری

جوان: در شمایل می بینیم که اسقفی دستهایش را بر شخصی که زانو است می گذارد. همینطور اسقفان دیگری به دور وی جمع شده اند.

پیر: درست است. اسقفی که دستگذاری می کند پاتریارک است که مسئول اتحاد میان اسقفان و کلیساهای منطقه ما می باشد. ولی وی در مشارکت با دیگر اسقفان عمل می کند.

جدی! حتماً چیز با اهمیتی بین آن دو شخص رخ می دهد. وظیفه پسر نیست که دست بگذارد بلکه بایستی دستش را به سوی پدر دراز کند. نهادن دست کار پدر است.

پیر: کاملاً حق داری. امروزه در زندگی خانوادگی، پسر می تواند جانشین پدر شود. همچنین پدر می تواند پسر را به جانشینی خود تعیین کند و نماینده خود قرار دهد و اختیار آتش را به وی بسپارد. شخص دیگری غیر از پسر، تنها دغل کار و سوء استفاده گر خواهد بود. همه می دانیم ممکن است گاهی پدر پسرش را انکار نموده او را چون وارث خود قبول نکند و این در صورتی است که پدرش تشخیص دهد پسر شایسته و وفادار به سنن خانوادگی نیست... همچنین می دانی اسقف به خاطر ملکوت خدا مجرد می ماند زیرا نمی تواند قدرت خود را در یک خانواده انسانی و طبیعی منتقل کند و خانواده ای به جز کلیسایش ندارد. در ضمن این قدرت و ارث روحانی ممکن نیست که از طریق طبیعی منتقل شود! پس آیین نهادن دستها، عمل انتقال روحانی است که یکی از عطایای روح القدس می باشد. طبق آیین ما، نهادن دستها کار پدر مشترک همگی ما یعنی پاتربارک است. آیا تا به حال این حرکت جدی و پراز معنا یعنی نهادن دستها را در کلیسا دیده ای؟

جوان: بله، یادم می آید روزی که کشیش برادر کوچکم را تعمید می داد دست بر سر وی نهاد.

ساکت و بی حرکت باشیم؟! **پیر:** یکی از متون قدیمی مسیحی به نام «سنت رسولی» نوشته هیپولیت رومی که به سال ۲۳۵ شهید شد جواب سوال تو را به خوبی می دهد و در ضمن اصل مطلب را نیز یادآوری می کند: نهادن دستها به معنای درخواست نزول مخصوص روح القدس است:

«اسقفان دستهای خود را بر وی بنهند
و جمیع کشیشان در آنجا حاضر باشند و کاری نکنند.
همه مردم ساکت باشند و در دلهای خود برای
نزول روح القدس دعا کنند.»

جوان: اما منظورت از اینکه نهادن دستها معنایی بس مهم در ارتباط با نزول روح القدس دارد چیست؟
پیر: برای درک بهتر موضوع سؤال را این طور مطرح کن: در زندگی روزمره، نهادن دستها به چه معنی است؟

جوان: به نظرم دست بر چیزی گذاشتن به معنای مالک آن چیز شدن و گرفتن آن است. اما معنای دست بر کسی گذاشتن را زیاد نمی دانم: شاید به معنای حمایت یا تسلی دادن آن شخص باشد؟ همینطور به نظرم می آید که حرکت محبت آمیز پدر نسبت به پسرش باشد. دستها مثل سر از اعضای مهم بدن هستند: نهادن دست بر سر شخص دیگر کاری است

پیر: درست است. آیا می دانی کشیش زمانی که گناهان شخصی را می بخشد، به نام خدا دست بر سر توبه کننده می گذارد؟ آیا به حرکت کشیش در قربانی مقدس دقت نموده ای؟ وی دستهایش را بر تقدیمی ها می نهد و دعا می کند که روح القدس نازل شود تا این نان و شراب تقدیس شده به تن و خون عیسی تبدیل گردند. در اینجا است که معنای واقعی دست گذاشتن را می فهمیم یعنی نزول روح القدس و ماندن بر آنچه می بایستی تقدیس شود خواه نان و شراب باشد خواه برادر کوچکت در هنگام تعمید، خواه کشیش، خواه اسقف جدید. باشد که برکت بر آن کس که ما برایش استغاثه می کنیم قرار گیرد. البته برکتی دیگر به جز روح خدا وجود ندارد.

کلیسا این حرکت و عمل را از خود ابداع ننموده است. غالباً در انجیل می بینیم که عیسی دستش را بر بیماران می نهد تا آنها را شفا دهد (مرقس ۵: ۶، ۸: ۲۳)؛ دست بر افراد دچار روح پلید می گذارد تا آنان را رهایی بخشد (لوقا ۱۳: ۱۳)؛ دست بر مردگان می نهد تا زنده شوند (متی ۹: ۱۸)؛ دست بر کودکان می گذارد تا آنان را برکت دهد (مرقس ۱۰: ۱۶). گاهی این عمل وی صریحاً به دعایی که می گوید وابسته است (متی ۱۹: ۱۳). بالاخره به رسولانش فرمان می دهد همان حرکت را انجام دهند (مرقس ۱۶: ۱۸). می بینیم شاگردان بعد از صعود مسیح، کلام استاد را به یاد آورده و دستهای خود را می نهند تا شفا دهند (اعمال ۹: ۱۳) پس معنایی بس عمیق از این نشانه خواهیم فهمید: مسیحیان با گذاشتن دستها رسالتی را منتقل می کنند (اعمال ۱۳: ۳):



شمایل تعمید مسیح

«مسیح از طریق یحیی تعمید دهنده (»بزرگترین انبیا«) همچنین کاهن از خانواده هارون بر طبق متی ۹: ۱۱-۱۰: ۵؛ لوقا ۵: ۱ شایستگی نبی و کاهن را دریافت نمود. ولی شأن سلطنتی خانواده داود را از هنگام تولد دریافت نموده بود زیرا از خاندان داود متولد شد.»
(از سخنان ماراپرم در تفسیر انجیل)

همانطور که به درستی گفتی دستگذاری کار و حرکت پدر، کشیش، اسقف و در اینجا وظیفه پاتریارک است. درواقع این حرکت به معنای انتقال اختیار، رسالت، حیات... است. پدران کلیسا برای توضیح معنای دستگذاری حتی به زمان موسی برمی گردند و بر متنی زیبا از سفر اعداد (۲۷:۱۸-۲۳) تأکید می کنند:

«خداوند به موسی گفت: یوشع بن نون را که مردی صاحب روح است گرفته دست خود را بر او بگذارد و او را به حضور العازار کاهن و به حضور تمامی جماعت برپا داشته... پس موسی به نوعی که خداوند او را فرموده بود عمل نموده یوشع را گرفت و او را به حضور العازار کاهن و به حضور تمامی جماعت برپا داشت و دستهای خود را بر او گذاشته...» امیدوارم که به خاطر داشته باشی موسی که بود. خدا وی را انتخاب نمود تا قوم برگزیده را جمع نموده و با عبور از صحرای سینا که در آنجا مکاشفه جلال خدا را دریافت نمود قوم را از بردگی مصر به صمیمیت سرزمین موعود رهبری کند. پس وی واقعاً راهنما و رهبر قوم بود. زمانی که احساس نمود به پایان زندگیش نزدیک شده درک نمود وظیفه اش یعنی خدمت به قوم، اختیار و قدرت و رسالتی را که دریافت کرده بود بایستی منتقل کند. موسی می دانست خدا چه کسی را برگزیده: یوشع مملو از روح خدا را. پس در حضور کاهن و در مقابل تمامی جماعت دستهایش را بر وی می گذارد.

پاتریارک ما نیز در دعایی از آیین دستگذاری اسقف جدید مطلب بالا را یادآوری می نماید: پاتریارک می داند که خدا روزی وی را نیز

رسولان دستهای خود را می گذارند تا روح القدس را به ایمانداران منتقل نمایند (اعمال ۸: ۱۷، ۱۹: ۶) یا با دادن حکم و رسالتی به افراد، شماسانی را مقرر می کنند.

حضرت پولس رسول خود این کار را انجام می دهد و یکی از معانی دستگذاری را چنین توضیح می دهد: از طریق دستگذاری، اختیار و قدرت روح القدس را به تیموتاوس منتقل می کند تا وی بتواند به جای پولس به نام عیسی با اقتدار در جامعه عمل کند (دوم تیموتاوس ۱: ۶).



روح القدس را بیابید



شمایل مسح داود به دست سموئیل

«سموئیل داود را مسح نمود

تا به جای شائول که گناه ورزیده بود، پادشاه گردد؛

یحیی تعمید دهنده عیسی را مسح نمود

تا به جای کاهنان یهود که از شریعت تورات

تخطی نموده بودند کاهن اعظم گردد.

داود بعد از اینکه مسح شد مورد شکنجه و آزار قرار گرفت

و همینطور هم عیسی بعد از آن که مسح شد شکنجه و آزار دید...

دعوت خواهد کرد تا این دنیا را ترک نماید ولی قوم بایستی بعد از درگذشت وی به حیات خود ادامه دهد. پس دستهایش را بر کسی که کلیسا انتخابش نموده می‌گذارد تا اختیاراتی که وی دریافت نموده و برای حیات کلیسا ضروری است به اسقف جدید منتقل نماید. متنی از دعایی که پاتریارک هنگام دستگذاری می‌خواند:

باشد که [این خادم] پس از عزیمت ما از این جهان طبق اراده‌ی تو،

ایمان و وفاداری شاگردان به پدر را

در کلیسای مقدس تو محافظت نماید.

باشد که رمة‌ی تو را فزونی بخشد

و در خداترسی و پرهیزکاری

همه‌ی کسانی را که به وی سپرده شده‌اند به کمال رساند.

یکی از راهبان کلیسای ما به نام حکیم افرات فارسی در نوشته‌های

خود بین سالهای ۳۳۶ و ۳۴۵ چنین تأکید می‌کند:

«موسی دستش را بر رسولانش نهاد و آنان کهانت را پذیرفتند؛

عیسی دستش را بر رسولانش نهاد و آنان روح القدس را یافتند.»

همینطور وی از تدهین داود صحبت می‌کند که تصویر تدهین عیسی

به هنگام تعمیدش بود. اگر چه عمل مسح نمودن و تدهین متفاوت از

عمل گذاشتن دستهاست اما معنای آنها که مربوط به انتقال روح القدس

جهت انجام وظیفه است کاملاً به هم نزدیک است!

تا کلیسا را که قدس توست

برای جلال فنا ناپذیر نامت بنا نمایند.»

دقیقاً بر طبق همین سنت است که حضرت پولس نسبت به تیموتاوس عمل کرده بود و چنین به یاد وی می آورد:

«آنچه به شهود بسیار از من شنیدی

به مردمان امین بسیار

که قابل تعلیم دیگران هم باشند» (دوم تیموتاوس ۲:۲).

در اینجا موضوع انتقال وفادارانه حقیقتی است که در عیسی مکاشفه شد. اما حضرت پولس که وظیفه انتقال در امانت را به تیموتاوس می سپارد خود انتقال روح القدس به وی را که بدون آن نه انتقالی و نه امانتی وجود دارد فراموش نمی کند.

«لذا به یاد تو می آورم که آن عطای خدا را

که به وسیله گذاشتن دستهای من بر تو است برافروزی»

(دوم تیموتاوس ۱:۶).

بالاخره حضرت پولس، تیموتاوس را دعوت می کند قبل از گذاشتن دست بر جانشینان احتمالی، وقت کافی برای تشخیص اراده خدا در نظر گیرد:

«...این امور را بدون غرض نگاه دار

و هیچ کاری را از روی طرفداری مکن.

و دستها به زودی بر هیچ کس مگذار...»

(اول تیموتاوس ۵:۲۱، ۲۲)

داود که سی سالش شده بود به دست سموئیل مسح شد

و عیسی نیز که حدود سی سال داشت یحیی دستهایش را بر وی نهاد.»

(«شکنجه و آزار» شماره های ۱۰ و ۱۳ نوشته افرات^۱)

بنابراین از لابلای این متون عناصر زیادی از تفکر کلیسای قدیم که

عهد عتیق را مطالعه می نمود به دست می آوریم:

- گذاشتن دستها برابر است با مسح نمودن با روغن

- معنای آن انتقال روح القدس جهت انجام کاری مشخص و دائمی در

خدمت قوم خدا: چه کهنات باشد چه سلطنت.

- آن کس که دستهایش را می گذارد خود قبلاً آن قدرت را پذیرفته که انتقال بدهد.

سنتی که نشانه هایی از آن را در مراسم تقدیس اسقف به هنگام

گذاشتن دستها می یابیم بر طبق «سنت رسولی^۲» است:

«ای پدر قدوس

اینک قدرتی را که از تو صادر می گردد افزایه فرما

روح متعال را که به فرزند محبوبت

عیسی مسیح دادی

و وی آن را به رسولان منتقل نمود

۱- راهب افرات شاید اسقف جامعه خود، در جفای شاپور که بین سالهای ۳۰۹ تا ۳۷۹ بر سرزمین ما حکومت می راند، شهید شد.

۲- کتاب «سنت رسولی» که از زندگی کلیسای رم در اواخر قرن دوم شهادت می دهد توسط قدیس هیپولیت رومی که خود به سال ۲۳۵ شهید شد نوشته شده است.

و او را تقدیس فرماید
و به فیض و رحمت پسر یگانه ات
او را شایسته رسالتی که بر دوش می گیرد بگردان.

جوان: برای چه بر کلمات «سنت رسولی که تا امروز به ما رسیده است» اینقدر تأکید نمودی؟ راستش را بخواهی وقتی صحبت از سنت می شود این واژه چیزهای کسل کننده را به یاد می آورد که آدم چیزهایی را تکرار کند بدون آنکه معنایش را بداند و بدون آنکه ربطی به زندگی روزمره ما داشته باشد.

پیر: کاملاً با تو موافقم که ما عاداتهای قدیمی را با سنتها قاطی می کنیم. عاداتهای قدیمی بارها و بارها تکرار می شوند و ما را کسل می کنند و معنای چیزهایی را که انجام می دهیم نمی فهمیم. برای مثال موضوعی را مطرح می کنم که ممکن است باعث ناراحتی بعضی ها شود ولی باز بد نیست آن را مطرح کنیم. در اکثر خانواده ها بعد از آنکه کسی از آن خانواده فوت نمود معمولاً دوستان و آشنایان بعد از رفتن بر سر قبر، برای خوردن غذا در منزل آن مرحوم گرد هم جمع می شوند. مخارج سنگینی بر آن خانواده تحمیل می شود، وقتهای زیاد تلف می شود، ملاقات غم انگیز و ناراحت کننده ای رخ می دهد که هیچگونه معنایی ندارد. اما به نظر می رسد از ترس اینکه همسایه ها و آشنایان چیزی نگویند خانواده مرحوم نمی تواند مراسم را انجام ندهد...
در کلیسا، سنت اساساً کار روح القدس است. بدین معنا که کلیسا و

جوان: آنچه درباره تاریخ کلیسا و سنتهایش به من گفتی کمی مشکل است و غیر عادی. این مطالب برایم افقهای جدیدی را باز می کنند. اما با دقت و صراحت بیشتری توضیح بده که به چه علت گذاشتن دستها بر اسقف جدید چنین وابستگی شدید به نزول روح القدس دارد؟

پیر: کاملاً حق داری چنین سؤالی بکنی: یک نشانه همیشه به تنها روشن و واضح نیست. معنای دقیق نشانه معمولاً همراه کلامی است که با آن گفته می شود. در این مورد خاص به متونی از دعاهای اسقفان که هنگام گذاشتن دستها می خوانند گوش فرا دهیم: آنان صریحاً نزول روح القدس را می طلبند. ما نیز بر کلمات مهم این دعا تأکید خواهیم نمود. پاتریارک هنگام گذاشتن دست بر اسقف جدید چنین دعا می کند:

تو مرا همچون واسطه عطایای الهی خود

در کلیسای مقدس خود گمارده ای

تا جلوه های رسالت روح القدس را

به خدمتگران رازهای خدائی

برابر سنت رسالتی که تا امروز

از راه مراسم دستگذاری

به ما رسیده است به نام تو منتقل نمایم

اینک خادم تو را به حضور آورده ایم

که به مقام اسقف جانشین در خدمت این کلیسای مقدس نائل گردد.

همه ما برای وی به درگاه تو نیایش می کنیم.

باشد که فیض روح القدس بر وی فرود آید

احساس نگرانی و اضطراب نمودند. در واقع در زمانهای بسیار سخت همچون زمان شکنجه و آزار و پراکندگی حتی ورای مرزهای امپراتوری روم، چگونه می توان بررسی نمود که جامعه مسیحی یک شهر نسبت به کلیسایی که مسیح آن را عطا نمود و شاگردان بنا نهادند وفادار مانده است و در نتیجه در اتحاد کامل با بقیه جوامع مسیحی می باشد؟ همچنین واضح است که در زمان قدیم مثل امروز این وسوسه وجود داشت که انسانها عطیه خدا را که فوق ما می باشد رد نموده و بخواهند جامعه ای انسانی طبق امیال و نگرشهای خود ابداع کنند. کلیسا برای بررسی و تحقیق این وفاداری خیلی زود از چندین شاخص تکمیلی و ضروری استفاده نمود:

- ۱- وفاداری جماعت به کتاب مقدس، کلام خدا.
- ۲- وفاداری به خلاصه هایی از ایمان مسیحی که در توافق با همه جماعتها نوشته شده بودند.
- ۳- وفاداری به ساختار اصلی آیین مراسم مذهبی.
- ۴- قبول و محترم شمردن تصمیمات شوراهای تمامی اسقفان هر وقت که بتوانند جمع شوند.
- ۵- تسلسل مداوم اسقفان که در نتیجه نهادن دستها، این جانشینی به یکی از رسولان خود مسیح می رسد.

هر کلیسای محلی که نسبت به این نکته وفادار باشد می تواند در مشارکت با بقیه کلیساهای محلی باقی بماند، چرا که نسبت به کلیسایی که رسولان مسیح بنا نهادند یعنی کلیسای رسولی وفادار است. کمی

راز آن را وفاداران از پیشینیانمان که به طور قانونی موکل کلیسای تأسیس شده به دست عیسی بودند بپذیریم، در آن زندگی کنیم تا رازهای آن را تحقق بخشیم و آن را به زبانی که معاصرانمان بفهمند دریاوریم و صادقانه این ثروت را با شهادت و با کلاممان منتقل نماییم. این سه مرحله یعنی پذیرش، تحقق و انتقال، لاینفک و لازم و ملزوم یکدیگرند. هر کدام از این سه مرحله در زندگی ما کار روح القدس است همانطور که در قربانی مقدس یادآوری و ذکر رویدادی در گذشته را می کنیم تا روح القدس این راز را تحقق بخشد و ما فیض را دریافت کنیم با سپاسگزاری به خاطر تن تقسیم شده و خون ریخته شده که به ما حیات می بخشند. در هر یک از این مراحل امکان دارد با بی وفایی خودمان سنت را قطع نماییم: خواه با رد پذیرش عطیه خدا همانطور که برای ما انجام شده و ترجیح دادن ابداعات خودمان، خواه با سهل انگاری در تحقق بخشیدن به عطیه خدا در زندگی خودمان که با تلاش جهت توبه شخصی و دسته جمعی حاصل می شود، خواه با ترسیدن از شهادت و انتقال دادن آن که مبادا عکس العملهای نامطلوبی ایجاد کند... سنت به جای آن که ما را به خواب ببرد ما را بیدار می کند، به حرکت وامی دارد حتی گاهی با دادن خونمان!

اکنون کمی بهتر معنای «سنت رسولی که تا امروز به ما رسیده است» را می فهمی؟ رسولان آن را از عیسی دریافت نمودند و به بهای خون خود به دیگران منتقل ساختند.

بعد از درگذشت رسولان، کلیساهای نسبت به وفاداری خود به مسیح

به ما داده شد. این ساختار اساسی در آیین مقدس هر کلیسای رسولی وجود دارد اگر چه جزئیاتی جهت تطابق با فرهنگ ملی هر قوم به آن اضافه گردیده است.

۴- شورایی که در آن تمامی اسقفان دنیا گرد هم می آیند قدرت مطلق در کلیساست. درست است که در دوران مسیحیان اولیه به خاطر جفا و شکنجه، امکان گرهایی تمامی اسقفان نبود اما از قرن چهارم به بعد تصمیمات شوراهای عمومی همیشه شاخصهای قضاوت درباره ایمان هر جامعه و در نتیجه وفاداریش نسبت به مسیح بودند.

۵- از قرن دوم به بعد، کلیساهایی که نسبتاً دارای اهمیت بودند شدیداً علاقه نشان می دادند که فهرست اسقفانی را که یکی بعد از دیگری مسئول آن شده بودند بنویسند تا بدین ترتیب نشان دهند که سلسله اسقفان آن هرگز قطع نشده و به یکی از رسولان می رسد؛ بدین سان این کلیساهای توسط عطیه خدا که حقیقتاً انتقال یافته، بنیانگذاری شده اند. هر جامعه ای که بیشتر به آنچه از رسولان منتقل شده وفادار می ماند، می توانست جای خود را در میان کلیسای محلی دیگر که آنها هم رسولی بودند بهتر بیابد.

بدین طریق، قدیس ایرنیوس اسقف شهر لیون که در سال ۱۸۰ شهید شد یکی از ضمانتهای وفاداری به ایمان رسولان را در همین فهرستهای اسقفانی که یکی پس از دیگری آمده اند می داند.

جانشینی رسولی اسقفان - یعنی تسلسل مداوم و وفادار به اختیارات اسقفی با گذاشتن دستها - در خدمت تداوم رسولی کلیساست. هر

بیشتر درباره این پنج نکته توضیح دهیم:

۱- واضح است که کتاب مقدس یکی از پایه های کلیساست. با این حال به یاد داشته باشیم که برای جوامع اولیه مسیحی این سؤال مطرح بود: کدام کتابها را به عنوان الهام روح القدس بپذیریم تا قانونی برای ایمان ما باشند؟ درباره کتابهای عهد عتیق جواب این سؤال نسبتاً ساده بود: کلیسا که خود را وارث قوم برگزیده می دانست کتابهای عهد عتیق را که مورد قبول یهودیان بود پذیرفت. اما درباره عهد جدید که کم کم در بطن کلیسا شکل می گرفت چه کتابهایی را باید به عنوان الهام روح القدس پذیرفت؟ خیلی زود فهرستهایی از متون، میان کلیساهای رواج یافت و تدریجاً توافقی بر کتابها صورت پذیرفت و این کتابها به عنوان بیان خاصی از ایمان کلیسا شناخته شدند چرا که نوشته هایی بودند که از روح القدس الهام گرفته بودند.

۲- برای پرورش ایمان گروندگان جدید و همراهی نمودن آنان تا تعمید، خیلی زود خلاصه هایی از ایمان نوشته شدند که در آنها نکات اساسی جهت تعلیم تعمید خواستگان مطرح بود و تمامی جماعت به این نکات اقرار و اعتراف می نمود. امروزه این متون محترم شمرده شده و هر کلیسا آنها را حفظ نموده و هر یکشنبه بعد از قرائت انجیل آنها را اعلام می کند.

۳- آیین و مراسم مسیحی هم ریشه در مراسم کنیسه یهود دارد که خود مسیح در آنها شرکت می نمود و هم ریشه در راز فصیح، فصیحی که ذکر آن توسط خود مسیح در شام آخر با شاگردانش و قبل از مرگ بر روی صلیب

در پایان این قسمت به شهادت یک اسقف چینی که مدتی طولانی به خاطر نگاه داشتن این سنت رسولی رنج کشیده گوش می دهیم. وی از تأسیس کلیسایی ملی که مستقل از جمیع کلیساهای و بر طبق درخواستهای رژیم کمونیستی باشد خودداری نمود. وی سالها رنج کشید تا جامعه خویش را در اتحاد با هیئت رسولان و جانشین حضرت پطرس که مسئول وحدت آن است نگهدارد:

سنت رسولی و شهادت: «این استخوانها مقدس اند!»

مردی که در مقابل من قرار دارد اسقف سالخورده ای است که سی سال را در زندان سپری کرده است. با وجود سالها زندان، وی مرد صلح و مملو از آرامش است. با سادگی فوق العاده ای تعریف می کند: «ایمان به مسیح که خدا در کلیسا به ما عطا نمود طالب قربانی زندگی است. آزمایشات و رنجها می گذرند، محبت وصف ناپذیر خدا باقی می ماند. در قلبم مسیح و کلیسایش را داشتم و اینک پیر و بیمار گشته ام، از زندگی گذشته ام راضی هستم. هیچ کس نمی تواند مسیح را از ما گرفته بر بایند، محبت وی نه از زندان هراس به خود راه می دهد و نه از زنجیر. وی را محبت نمودم چرا که به من عطا نمود تا آنچه را همیشه نسبت به من احساس می کرد بشناسم».

در حالی که وی با خاطرات بدرفتاریها نسبت به کلیسا به دنبال فشار حکومت، زندگی می کند من تلاش می کنم گفتگویمان را در جهت

یکشنبه تأیید می کنیم که ما به کلیسای واحد... و رسولی ایمان داریم. هر مسیحی در این وفاداری به عطیه کلیسا با پذیرش آن به همان طریق که مسیح بنا نهاد شرکت می کند: عیسی وعده داد همه روزه تا انقضای عالم با آن خواهد بود. اما در این قوم خدا بعضی ها دعوت شده اند تا با قدرت روح القدس اسقف گردند و نظارت بس خاصی بر این وفاداری داشته باشند. همراه آنان ما بیشتر مطمئن می گردیم که بتوانیم کلام حقیقی و روح القدس را جهت توبه و اعلام کلام خدا به همه دریافت نماییم: این است سنتی که کلیسای ما مسئول آن می باشد.

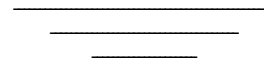


خداوند روح القدس را بفرست

حفظ نموده ایم، به محبت نمودن مسیح ادامه داده ایم، باز و برای همیشه با وی متحد هستیم».

با داشتن چنین پیامی جهت حفظ و انتقال، هرگز چنین احساس بزرگی به من دست نداده بود: «به برادرانت بگو...» سخنان اسقف سالخورده کاملاً مرا تکان دادند.

وی در سال ۱۹۷۹ به شهر خود بازگشت اما چون هنوز از وی رفع اتهام نشده بود می دانست که آزادیش زیاد به درازا نخواهد کشید و کلیسای چین که مجبور به نداشتن رابطه آشکار با جانشین حضرت پطرس رسول و کلیسای همگانی است با خطر خاموشی و تحلیل رفتن یا تعلیم نقشه های دولت جهت ایجاد کلیسای ملی رو به رو است. اما سالهاست مشاهده می کنیم کلیسای چین علیرغم شکنجه و آزار، بدون ترس و واهمه به حفظ ایمان و شهادت دادن ادامه می دهد چرا که خدا قادر است اسقفان این گله کوچک را حفظ نماید.



موضوعات و حوادثی که قلبم را می فشارند متمایل سازم ولی وی اجازه نمی دهد ادامه دهم؛ با اشاره می فهماند که می خواهد از کرسیش بلند شود. او بیمار است و دیگر زانوها همراهیش نمی کنند؛ در حالیکه با تمام وزنش بر شانه ام تکیه زده به نقطه ای در سه متری اشاره می کند، از من می خواهد که عکس تمام قدش را «که پاهایش خوب دیده شوند» در آن نقطه مشخص بگیرم.

سپس تلو تلو خوران و راضی به سوی کرسیش برمی گردد. «در آنجا بقایای اولین اسقف این کلیسا را پنهان نموده ایم. سی سال است که آنجا فرار دارند. اشخاص خیلی کمی این موضوع را می دانند». متوجه می شود که من مات و مبهوت گشته ام. «مگر معنای سنت رسولی را نمی دانی. یعنی انتقال به ما از آن زنده، آن شخص زنده مسیح. این برادران بشارت دهنده ات بودند که این سنت را به ما منتقل نمودند. این اسقف مسن از خدا اطاعت نمود و به اینجا آمد تا اسباب شناخت و محبت نمودن عیسی مسیح را برای ما فراهم کند. کلیسا یعنی این. آنگاه اندیشیدیم که این استخوانها برای ما مقدس اند و نشانه ای می باشند که نباید آن را از دست بدهیم. این استخوانها رابطه ما با کلیسا در همه زمانها و همه مکانها و با برادرانت می باشد؛ همیشه فکر کرده ایم که نمی توانیم این رابطه مرئی را قطع کنیم. این نشانه ای بود که همیشه ما را به شخص مسیح پیوند می داد. چگونه می توانستیم راضی شویم که مسیح را از دست بدهیم!»

و سپس اضافه می کند: «به برادرانت بگو: ما این استخوانها را